

**An Analysis of Anthropological Criminology from the Viewpoint of Initial
Victimology in Qisas (Retaliation) Punishment with an Emphasis on Imam
Khomeini's Views**

Majid Aghaei¹

Abstract

This analytical-descriptive research work intends to clarify anthropological criminology in the area of initial victimology in Qisas (retaliation) punishment with an emphasis on Imam Khomeini's views. The paper clarifies resorting to rational choice and victim precipitation theory, rule of action and instigation, greater contribution of perpetrator than accessory under certain circumstances stipulated in religious rules, and victimization of passive, faultless and instigating victims in view of Imam Khomeini. Depending upon an intention to commit a crime, murder without Qisas punishment, unprotected outlaw, be it absolute or relative, such as right of self-defense, killing wife in other man's bed, father-child incest, consent of the victim in murder case, lack of equality between delinquent and victim in view of reason and religion are all effective in victimization in Qisas. The difference between Auguste Comte's anthropological criminology and theological views in Imamiya and Islamic jurisprudence, reflected in Imam Khomeini's views, lies in mere determinism and empiricism where Comte considers man a one-dimensional creature while Islam focuses on religious anthropology and says Quran and traditions are compendiums of knowledge and the Imams from among men are infallible.

Keywords: initial victimology, punishment, Qisas (retaliation), anthropological criminology, right of self-defense

1. Assistant Professor of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University of Eslamshahr Branch, Tehran, Iran; Email: majidaghaei1357@gmail.com

واکاوی انسان‌شناسی جنایی از منظر بزه‌دیده‌شناسی اولیه در کیفر قصاص با تکیه بر اندیشه‌های امام خمینی (س)

مجید آقایی^۱

چکیده: هدف از پژوهش تحلیلی-توصیفی حاضر تبیین انسان‌شناختی-جنایی در حوزه بزه‌دیده‌شناسی اولیه در کیفر قصاص با تأکید بر آرای امام خمینی است. این مقاله تمسک به نظریات انتخاب عقلانی و نظریه شتاب‌دهندگی بزه‌دیدگی و قاعده اقدام و تحریک‌کنندگی و اقوی بودن سبب از مباشر با ویژگی‌های خاص احکام تبعیدی، بزه‌دیدگی بزه‌دیدگان منفعل و بی‌تقصیر و محرک را در آرای امام خمینی تبیین می‌نماید. بزه‌دیدگی در قصاص بسته به اباحه فعل جانی و هدر بودن خون مقتول و مهدورالدم بودن اعم از مطلق یا نسبی نظیر دفاع مشروع و قتل همسر در فراس اجنبی و یا رابطه ابوت و بنوت، رضایت بزه‌دیده در قتل، عدم تساوی بزه‌کار و بزه‌دیده در عقل و دین در بزه‌دیدگی مؤثر است. تفاوت انسان‌شناسی جنایی آگوست کنت با نظرات الهی‌فقه‌امامیه و اسلام که در آرای امام منعکس گردیده، در جبر و تجربه‌گرایی صرف و تک‌بعدی قلمداد کردن انسان توسط آگوست کنت و انسان‌شناسی دینی و جامع‌العلوم دانستن قرآن و روایات، با راهنمایانی مصون از خطا و اشتباه، در اسلام است.

کلیدواژه‌ها: بزه‌دیده‌شناسی اولیه، کیفر، قصاص، امام خمینی، انسان‌شناسی جنایی، دفاع مشروع.

۱. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر، تهران، ایران.
Email: majidaghaei1357@gmail.com

مقدمه

مردم‌شناسی جنایی^۱، جرم‌شناسی^۲، انسان‌شناسی جنایی و سبب‌شناسی جنایی، عناوینی است که افرادی نظیر سزار لومبروزو^۳ نویسنده کتب مرد جنایتکار و زن جنایتکار، ساترلند^۴ نویسنده کتاب جرم‌شناسی و رافائل گاروفالو^۵ در قرن نوزدهم در جستجوی عوامل وقوع جرم و انحرافات در انسان و شناخت عوامل بزهکاری در او و ارائه طرق درمان این پدیده شوم، به کار بستند. عده‌ای چون دورکیم^۶ به جرم در تعریف این واژه‌ها متمسک شدند (بریث ناچ ۱۳۹۴: ۱۶۱) و جرم را پدیده غیرعادی نمی‌داند و جزء کاملی از هر جامعه سالم می‌داند (Turner 1993: 135)؛ و عده‌ای چون لنیل^۷، لاواستین^۸ و استانسیو^۹ به مجرم و عوامل بزه‌کاری در تعریف خود تکیه کردند. آنان معتقدند: جرم‌شناسی مطالعه کامل و جامع انسان است و با توجه و دقت مستمر جهت شناسایی هر چه بهتر علل بزه‌کاری و راه‌های درمان آن می‌کوشند و اضافه می‌کنند که: جرم‌شناسی علم بررسی جامع و کامل انسان است (نجفی توانا ۱۳۸۰: ۹). مارک آنسل در کتاب دفاع اجتماعی ضمن بررسی تحولات نوین حقوق جزا، با اشاره به پیدایش بزه‌دیده‌شناسی می‌نویسد: یکی از ویژگی‌های تحولات جدید علوم جنایی این است که پس از ملحوظ داشتن عمل مجرمانه و شخصیت مجرم، توجه خود را به زیان‌دیده از جرم معطوف می‌نماید. این تحول موجب پیدایش علمی نوین به نام بزه‌دیده‌شناسی شده است که بزه‌دیده از جرم را همانند مجرم، مورد بررسی قرار می‌دهد (توجهی و نجفی ابرندآبادی ۱۳۷۸: ۷۳). از موضوعاتی که به‌عنوان یک وضعیت ماقبل جنایی و مؤثر در ارتکاب جرم، توجه جرم‌شناسان را به خود معطوف کرده، شخص

-
1. Criminal Anthropology
 2. Criminology
 3. Caesar Lombroso
 4. Sutherland
 5. Rafael Garoufalo
 6. Durkheim
 7. Laneil
 8. Lavastin
 9. Stansiyu

«بزه‌دیده» یا «قربانی جرم» است. اهمیت این عنصر به گونه‌ای است که در زمانی نسبتاً کوتاه، زمینه ایجاد شاخه جدیدی در جرم‌شناسی، به نام «جرم‌شناسی بزه‌دیده‌شناسی» را فراهم آورده است (پیکا ۱۳۷۰: ۲۹). بزه‌دیده‌شناسی اولیه به مطالعه ویژگی‌ها و نقش بزه‌دیده در تکوین جرم و نیز رابطه قربانی جرم با مجرم می‌پردازد و در حقیقت بزه‌دیده‌شناسی اولیه شاخه‌ای از جرم‌شناسی علت‌شناسانه است که در آن نقش بزه‌دیده در وقوع جرم و به‌عنوان یکی از علل و عوامل ارتکاب جرم از سوی بزهکار بررسی و در کنار سایر علل و عوامل جرم‌زا قرار می‌گیرد و در مقابل بزه‌دیده‌شناسی پیشگیرانه به‌عنوان شاخه‌ای از جرم‌شناسی پیشگیرانه شیوه‌های پیشگیری از بزه دیدگی را بررسی و مطالعه می‌کند (توجهی ۱۳۸۳: ۶۱۶). مطالعه تعامل بزه‌کار و بزه‌دیده در فرآیند ارتکاب جرم و به دنبال آن طبقه‌بندی بزه دیدگان به اتفاقی، بالقوه یا پنهان، بزه‌دیده خاص، بزه‌کار بزه‌دیده نقش و سهم بزه‌دیده در پیشگیری از جرم و سرانجام طبقه‌بندی جرائم بر اساس معیار بزه‌دیده از مهم‌ترین محورهای مطالعاتی و دستاوردهای بزه‌دیده‌شناسی نخستین (علمی) محسوب می‌شود (رهامی و دیگران ۱۳۸۷: ۱۱۹). وردهایم^۱، بنجامین مندلسون^۲ و ون هانتیک^۳ از پیشگامان بزه‌دیده‌شناسی^۴ در دهه ۱۹۷۰ میلادی بودند (لوپز و فیلیزولا ۱۳۷۹: ۷۷). فون هانتینگ به‌شدت از ماهیت مجرم‌مدار جرم‌شناسی استفاده کرد و معتقد بود قربانی مستقیم جرم صرفاً یک کنشگر منفعل نیست (Fattah 1991: 45). تکیه بر جبر اعم از زیستی، محیطی و روانی و تجربه‌گرایی و مادی‌گرایی محض^۵ و تصور انسان به‌عنوان موجودی تک‌بعدی با الهام از افکار آگوست کنت، اساس شاخه‌های مختلف انسان‌شناسی جنایی عرفی (غربی) را تشکیل می‌دهد. آگوست کنت^۶ سه مرحله را در جوامع تعریف می‌کند. مرحله ربانی یا خداشناسی یا الهیات. مرحله ماوراءالطبیعه یا همان مرحله فلسفی که بدان تعقلی هم می‌گویند و مرحله تحقیقی و صنعتی.

1. Verdhaym
2. Benjamin Mendelssohn
3. Von hantic
4. Victimology
5. Experimentalism and Semitism
6. Auguste Conte

در مرحله اول انسان ابتدا به بت پرستی و شرک روی می آورد و نهایتاً یکتا پرستی و اعتقاد به الهیات و وجود خداوندی که بی همتاست؛ یعنی یگانه پرستی، غایت و نهایت دوران ربانی است. در دوران دوم، عقل آدمی در امور، دنبال علت می گردد و سرانجام منتهی به یک علت به نام طبیعت می شود. در مرحله سوم، تخیل و تعقل هر دو تابع مشاهده و تجربه می شوند و انسان به جای پریشانی و خیال بافی به مشاهده و محاسبه پرداخته و نتایجی به دست می آورد. مرحله ربانی را کودکی و فلسفی را جوانی و تحقیقی را پختگی می نامند (گرسون ۱۳۶۳: ۸۸). آگوست گنت به دلخواه خود مرحله تحقیقی را نهایت بشریت خواند و محققین نیز کورکورانه دانش جرم شناسی را با دیکته آگوست گنت تنها تجربی می دانند. این دیکته آگوست گنت به معنای کنار گذاشتن دین و انسان شناسی دینی است؛ زیرا مرحله اول فلسفه گنت مرحله ابتدایی و ربانی است. طرد متافیزیک و بعد معنوی و فطری انسانها و اعتقاد به اومانیزم^۱ و جدا کردن امور ماورالطبیعه اساس کار جرم شناسی تحقیقی و آگوست گنتی است (آقایی ۱۳۹۷: ۶۷). در آموزه های آسمانی اسلام، پس از مسئله «خدا» محوری ترین مسئله «انسان» به شمار آمده و آفرینش جهان، فرستادن پیامبران و نزول کتاب های آسمانی برای رساندن او به سعادت و رستگاری حقیقی، صورت گرفته است (جاثیه: ۴۵؛ آل عمران: ۱۶۴). امام خمینی می گوید: «انسان مثل حیوانات نیست که یک حد حیوانی داشته باشد و تمام بشود. انسان یک حد مافوق حیوانی و یک مراتب مافوق حیوانی، مافوق عقل [دارد] تا برسد به مقامی که نمی توانیم از آن تعبیر کنیم؛ و [از] آن آخر مقام مثلاً تعبیر می کنند [به] «فنا»، تعبیر می کنند «کالاًلوهیه»» (امام خمینی الف ۱۳۸۵ ج ۴: ۱۸۶). ایشان معتقدند: «آن ها [مکتب های غیرتوحیدی] فقط متوجه به این هستند که حفظ دنیایشان را بکنند؛ و حفظ اینکه انتظامات باقی باشد. فقط دنبال این هستند که نظم برقرار باشد؛ و اگر نظم برقرار باشد، دیگر بشر هر کاری می خواهد بکند» (امام خمینی الف ۱۳۸۵ ج ۷: ۲۸۷). نظر به اشتراک موضوع و هدف جرم شناسی و دین و انسان شناسی دینی و اختلاف

۱. فلسفه ای است که انسان را معیار و میزان همه چیز قرار می دهد و سرشت انسانی و حدود و علائق طبیعت آدمی را به عنوان موضوع می گیرد. اعتقاد به اصالت بشر یا بشر انگاری در برابر اصالت خداوند است و انسان را یگانه حقیقت جهان می داند و هرگونه خدا گرایی و متافیزیک مانند وحی و ادیان آسمانی را نفی می کند و بشر را فرمانروای مطلق طبیعت می داند (زرشناس ۱۳۸۱: ۳۹).

در راهنمایان این دو مسیر جرم‌شناسی عرفی به سرمنزل مقصود نخواهد رسید؛ زیرا انسان را تک‌بعدی می‌داند. احساس بی‌نیازی به خداوند سرمنشأ طغیان و انحراف است. «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ * أَلَّنْ رَأَاهُ اسْتَعْنَى» (علق: ۷ - ۶)؛ «حقاً که انسان سرکشی می‌کند، همین که خود را بی‌نیاز پندارد».

اختلاف در راهنمایان مکتب آگوست کنتی و اسلامی مشهود است. رسول خدا (ص) فرمودند: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا» (مجلسی ۱۴۰۴ ج ۴۰: ۲۰۳). من شهر علم هستم و علی دروازه آن است. امیرمؤمنان علی (ع) فرمودند: «آنچه بوده و خواهد بود علم آن در قرآن است و علم تمام قرآن در سوره فاتحه است و علم تمام سوره فاتحه در بسم‌الله است و علم تمام بسم‌الله در حرف باء است و من نقطه زیر باء هستم» (مستنبط ۱۳۹۲: ۱۷۷). ابوحزمه ثمالی از امام محمدباقر (ع) نقل می‌کند که رسول خدا فرمودند: «هیچ چیز نیست که شما را به بهشت نزدیک و از آتش جهنم دور کند، مگر آنکه شما را به آن امر کردم و هیچ چیز نیست که شما را به آتش نزدیک و از بهشت دور سازد، مگر آنکه شما را از آن نهی کردم» (حرعاملی ۱۴۰۹ ج ۱۷: ۴۵). شباهت در موضوع و هدف بین مکتب آگوست کنتی و اسلامی نیز مشخص است. لیکن هدف در جرم‌شناسی عرفی با توجه به طرد دین و ماوراء و خداوند سبحان تکامل مادی انسان است. امیرالمؤمنین علی (ع) فرموده‌اند: «معرفة النفس انفع المعارف» (خوانساری ۱۳۵۹ ج ۶: ۱۴۸)؛ «سودمندترین دانش‌ها خودشناسی است». همچنین خاتم‌النبین (ص) فرموده‌اند: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» (خوانساری ۱۳۵۹ ج ۶: ۱۷۲)؛ «کسی که خود را بشناسد همانا پروردگارش را شناخته است». آنچه از این روایات برمی‌آید این است که: لازمه خداشناسی خودشناسی است. لذا رسیدن به هدف اصلی تقرب درگرو خودشناسی است. جرم‌شناسی در واقع انسان‌شناسی و بهترین علوم بوده و شناخت انسان و پیچیدگی‌های او و خودشناسی و دوری از انحراف و جرم و تقرب به خداوند و تکمیل مکارم اخلاقی هدف مشترک دین و جرم‌شناسی است. امام خمینی در پیروی از قرآن و اهل بیت -علیهم‌السلام- به‌عنوان بزرگ‌ترین و برجسته‌ترین مرجع و تأثیرگذارترین آن‌ها در این حوزه می‌گوید: انسان موجود پیچیده‌ای است که معنای حقیقی آن را جز خداوند و آنان که از الهامات الهی برخوردارند کسی نمی‌داند (امام خمینی الف ۱۳۸۵ ج ۱۴: ۸). ماهیت انسان تنها برای خداوند سبحان و کسانی که با علوم الهی تعلیم‌یافته‌اند

قابل دستیابی است. لذا بعید نیست که این حدیث شریف که می‌فرماید: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» این‌گونه تعبیر شود که با توجه به محال بودن شناخت خدا، این نتیجه را برداشت کنیم که شناخت انسان هم محال است؛ زیرا وقتی شرط، یعنی شناخت خدا محال شد مشروط یعنی «هرکس خود را بشناسد نیز محال خواهد گردید» (ر. ک. به: امام خمینی الف ۱۳۸۵ ج ۱۴: ۸). عقول فلاسفه بزرگ و نیز علمای طب مادین در شناخت این انسان متحیرند (ر. ک. به: امام خمینی ۱۳۷۷: ۱۴). از سوی دیگر اسلام انسان‌ها را دارای فطرت پاک الهی می‌داند. «فَطَرَتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم: ۳۰). از آنجاکه انسان به عقل و اراده مجهز است می‌تواند همه گرایش‌های خود را کنترل کند و تحت فرمان عقل و دین درآورد و نفوذهای خارجی را قطع کند. خویشتن را ز هر قید و بند نفسانی و ظاهری آزاد سازد و مالک خویشتن شود و هدف و غایت اصلی تربیت دینی و اسلامی همین است (جعفری ۱۳۸۸: ۷۸). در مصادیق بزه‌دیده شناسی اولیه نیز امام با الهام از مفاهیم دینی و الهی احکامی را در نقش بزه‌دیده در فرآیند جرم بیان می‌کند که پایه این احکام نه جبری است و نه آزمایشگاهی و تجربی محض. احکام مهدورالدم، قتل در فراس، دفاع مشروع، قتل فرزند توسط پدر و قتل دیوانه و رضایت در قتل و نقش قربانیان آن‌ها در وقوع آن، از اهم موارد در بزه‌دیده شناسی اولیه در کیفر قصاص است که امام در کتاب تحریر الوسیله بدان پرداخته‌اند. هدف از این پژوهش که به روشی تحلیلی-توصیفی انجام گرفته است، تبیین مبانی و مصادیق دینی بزه‌دیده شناسی اولیه در کیفر قصاص در آرای امام خمینی به‌عنوان انعکاس آورده‌های فقه امامیه و دین اسلام در بزه‌دیده شناسی به‌عنوان شاخه‌ای از انسان‌شناسی جنایی است تا اثبات نماییم بزه‌دیده شناسی نه تنها علم نوینی نیست بلکه ابداع آن نیز متعلق به غرب نبوده و احکام شریعت نبوی با مقدمه جامعی که بیان گردید قرن‌ها جلوتر به تبیین این مفاهیم پرداخته است: امری که شارل ریموند فرانسوی بدان اقرار نموده است که اسلام ۱۲۰۰ سال در زمینه جرم‌شناسی از غرب جلوتر است (نجفی توانا ۱۳۸۵: ۳۳).

به لحاظ پیشینه تحقیق عنوان بزه‌دیده تقریباً واژه نوینی در فرهنگ حقوقی و جزایی ماست، اما به‌صورت پراکنده و دسته‌بندی نشده در اقوال فقها نظیر امام خمینی و احکام دین مبین بدان پرداخته شده است. از اولین پیشگامان تحقیق در این حوزه استاد مهدی کی نیا استاد جرم‌شناسی دانشگاه تهران است. ایشان علاوه بر کتاب جرم‌شناسی (کی نیا: ۱۳۷۳)

در مقاله‌ای با عنوان بزه‌دیده‌شناسی یا مجنی‌علیه‌شناسی به تبیین مفهوم آن پرداخته‌اند (کی‌نیا: ۱۳۷۰). علیوند و احمدی در سال ۱۳۷۹ با ترجمه مقاله‌ای از لوپز و ژینافلیزولا، در زمینه بزه‌دیده‌شناسی اولیه، به فهم بیشتر از بزه‌دیده‌شناسی در حقوق کیفری همت گماشتند. لیکن در این آثار تنها به کلیات مفاهیم بزه‌دیده‌شناسی پرداخته‌شده و کودک نوپای بزه‌دیده‌شناسی در ایران در حال شکل‌گیری بوده است. میر خلیلی سال ۱۳۸۵ در مقاله بزه‌دیده‌شناسی پیشگیرانه با نگاه به سیاست جنایی اسلام، به بررسی انواع بزه‌دیدگی با رویکرد اسلامی پرداخت. و ارتباط بین سیاست جنایی در اسلام و بزه‌دیده‌شناسی را تنها در کلیات تبیین نمود. سیدی و موسوی بیگی ۱۳۹۲ به بیان موارد دقیق‌تر بزه‌دیده‌شناسی و بیان اقوال مختلف فقها و آیات و روایات به بیان انطباق آورده‌های بزه‌دیده‌شناسی در مفهوم کلی، اعم از اولیه و ثانویه با مجازات قصاص، پرداخته‌اند. حاتمی و اسدی ۱۳۹۸ نیز حقوق بزه‌دیده‌را در اسلام و اسناد بین‌المللی مقایسه کرده و گریزی به موارد بزه‌دیده‌شناسی اولیه در اسلام و اسناد بین‌المللی زده‌اند. پژوهش حاضر با ژرف‌نگری و باریک‌بینی و غور در اندیشه‌های فقهی - جزایی امام خمینی به‌عنوان فقیهی برجسته به‌طور خاص، (بعضاً با انطباق با اقوال سایر فقها و کمک گرفتن از آیات و روایات) که اقوال ایشان در تدوین نظام جزایی ایران نقش عمده دارد، ارتباط بین نظام فقهی - جزایی غالب شیعه امروز را در پرتو دیدگاه‌های امام خمینی با مفاهیم بزه‌دیده‌شناسی تبیین نموده است که امری نوظهور است.

۱. مفهوم بزه‌دیده و انواع آن:

از دیدگاه موسع بزه‌دیده کسی است که یک خسارت قطعی، آسیبی بر تمامیت شخصی او وارد آورده است و اکثراً افراد جامعه هم به این مسئله اذعان دارند (لوپز و فیلیزولا ۱۳۷۹: ۹۶). ماده ۱۰ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، بزه‌دیده را شخصی معرفی می‌کند که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می‌گردد و چنانچه تعقیب مرتکب را درخواست کند، شاکی و هرگاه جبران ضرر و زیان وارده را مطالبه کند، مدعی خصوصی نامیده می‌شود. victim به معنای موجود زنده‌ای که برای خدایان قربانی شود و در فرهنگ ادبی فرانسه به کسی اطلاق می‌شد که فدای علایق و آمال خود می‌شود و همچنین کسی که خود را فدای خوشبختی دیگران کند و در این راه متحمل ضرر شود (نجفی توانا ۱۳۸۵: ۳۲؛ انوری

۱۳۸۲: ۲۹۰). قربانی شدن را به مجرمانه و غیر مجرمانه تقسیم می‌کنند. بزه دیدگان مجرمانه در تقسیم‌بندی بنجامین مندلسون به پنج دسته تقسیم می‌شوند (برجس و دیگران ۱۳۹۳: ۸۸):

۱. بزه‌دیده کاملاً بی‌گناه: نظیر کودکان و زنان و سالمندان اقلیت‌ها و مهاجرین و مجانبین که بزه دیدگان منفعل به لحاظ شرایط جسمی و محیطی و انسانی هستند. لزوم پایبندی به اعتقادات دینی و عدم پذیرش فرهنگ غیردینی از سوی مهاجرین و اقلیت‌های مسلمانان سبب می‌شود تا جامعه میزبان تحریک‌شده و به‌صورت منفعل و فعال نقش اقلیت‌ها در بزه دیدگی دیده شود. جرائم ناشی از تنفر از همین مقوله‌اند. جرم ناشی از تنفر، رفتاری بزه‌کارانه است که تماماً یا بخشی از آن به‌واسطه افکار یا رویکردهای منفی نسبت به یک گروه از نظر نژاد، قومیت، مذهب، جنسیت، جهت‌گیری جنسی یا معلولیت به وجود آمده است. فرد بزه‌کار بر پایه ویژگی‌های یادشده، بر این باور است که بزه‌دیده فاقد ارزش انسانی است (برجس و دیگران ۱۳۹۳: ۵۴۳). فقدان ارزش انسانی در نگاه بزه‌کار او را وادار می‌کند تا ابتدائاً بر جسم و فیزیک بزه‌دیده آسیب وارد نماید.
۲. بزه دیدگان جاهل: بزه دیدگانی که با اندک فکر و برنامه‌ریزی و یا هوشیاری می‌توانستند جلوی خطر را بگیرند.
۳. بزه دیدگان داوطلب: این قسم از بزه دیدگان دارای مسئولیت مساوی با بزه‌کار بوده و شرایط موجود را انتخاب نموده‌اند و هر عقل سلیمی می‌توانست آن را پیش‌بینی کند. مقاربت با یک روسپی و ابتلا به بیماری ایدز از همین مقوله است.
۴. بزه دیدگان محرک: مندلسون معتقد است این بزه‌دیده اندکی گناهکارتر از بزه‌کار است. شوهر بددهنی که توسط همسرش به قتل می‌رسد. داشتن مشارکت فعال در تعاملی که احتمال آسیب‌دیدگی در آن وجود دارد (بزه‌دیده انفعالی).
۵. بزه دیدگان مقصر: انحصاراً مسئول بزه دیدگی خویش هستند، مثلاً مهاجمی که در اثر دفاع مشروع کشته می‌شود... (بزه‌دیده انفعالی)

۲. مفهوم قصاص

قصاص در لغت از ماده قصص اشتقاق گردیده و به معنی تتبع، قطع، مساوات، قصه و قود است (ابن منظور ۱۴۱۴ ج ۷: ۳۴۹). اصطلاح تمامی فقها قود را قصاص گویند و قود در لغت یعنی کشتن و قصاص نمودن قاتل به سبب قتلی که انجام داده است (ابن منظور ۱۴۱۴ ج ۳: ۲۶۹). قصاص در لغت به معنای پیگیری نمودن اثر چیزی است (ابن منظور ۱۴۱۴ ج ۱۱: ۱۹۰).

عبدالقادر عوده قصاص را چنین تعریف می‌نماید: «قصاص آن است که مجرم باید مشابه و همانند عمل خود، مجازات ببیند» (عوده ۲۰۰۵: ۱۳۲). محمدجواد مغینه در تعریف قصاص می‌نویسد: قصاص در اصطلاح عبارت است از اینکه مجنی‌علیه، حق خود را مانند تعدی که به او شده است، از تعدی کننده بستاند (مغینه ۱۴۲۰: ۲۱۱). صاحب جواهر می‌نویسد: پیگیری و دنبال کردن اثر جنایت است به گونه‌ای که قصاص کننده همان جنایتی که جانی بر او وارده ساخته است بر خود او وارد نماید (نجفی ۱۴۱۲ ج ۴۲: ۷). به سخن دیگر قصاص عبارت است از این که «جنایتکار» همانند کاری که انجام داده است مجازات گردد و قصاص کننده عین آن عمل جنایت را نسبت به او انجام دهد (نجفی ۱۴۱۲ ج ۴۲: ۷). ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی اشعار دارد: «قصاص مجازات اصلی جنایات عمدی بر نفس، اعضا و منافع است که به شرح مندرج در کتاب سوم این قانون اعمال می‌شود. قصاص به دودسته قصاص نفس و قصاص عضو تقسیم می‌شود» (زراعت ۱۳۹۲: ۷۶).

۳. مفهوم بزه‌دیده‌شناسی

بزه‌دیده‌شناسی یا مجنی‌علیه‌شناسی یا شناخت مجنی‌علیه، شاخه جدیدی از جرم‌شناسی است که به بررسی قربانی مستقیم جرم می‌پردازد؛ بنابراین شناخت بزه‌دیده و آنچه مربوط به او می‌شود موضوع این دانش است. در این دانش شخصیت و صفات زیستی، روانی، اختلال و خصوصیات اجتماعی و فرهنگی بزه‌دیده و سهم او در تکوین جرم و رابطه‌اش با مجرم مورد بررسی قرار می‌گیرد (کی‌نیا ۱۳۷۰: ۱۲). گاکلیموگولته^۱ بزه‌دیده‌شناسی را روش یا دانشی می‌داند که هدفش مطالعه شخصیت، بیولوژی، روانشناسی، ویژگی‌های ممیز اجتماعی و فرهنگی بزه‌دیده و بررسی روابط وی با جرم و مجرم و مشخص ساختن نقش او در ارتکاب جرم است (کالدرون ۱۳۸۶: ۷۸). کالدرون^۲ بزه‌دیده‌شناسی را روش تلفیقی معرفی می‌کند که ضمن مطالعه و بررسی قربانی جرم در راستای دستیابی به یک سیاست متمرکز که بزه‌دیده محور است تلاش می‌کند (کالدرون ۱۳۸۶: ۷۸). بزه‌دیده‌شناسی اولیه به مطالعه

1. Guglielmo Gulotta

2. Calderon

ویژگی‌های زیست‌شناختی و روان‌شناختی و اخلاقی بزه‌دیده، مشخصه‌های اجتماعی و فرهنگی او و نقش وی در تکوین جرم و نیز رابطه قربانی جرم با بزه کار می‌پردازد (ویلیام ۱۳۸۲: ۲۶۶). در حقیقت بزه‌دیده شناسی اولیه شاخه‌ای از جرم‌شناسی علت شناسی^۱ است که در آن نقش بزه‌دیده در وقوع جرم به‌عنوان یکی از عوامل ارتکاب جرم از سوی بزه‌کار بررسی شده و در کنار سایر عوامل جرم‌زا قرار می‌گیرد. بزه‌دیده شناسی حمایتی، شاخه و جنبشی سیاسی است که در آن توجه به بزه‌دیدگان و امکان جبران خسارت وارده از طریق ترمیم آثار بزه در فرآیند کیفری، یکی از محورهای سیاست جنایی است. بدین ترتیب در فلسفه جدید عدالت کیفری، هدف اولیه حقوق جزا التیام بخشیدن به صدمه وارده، ترمیم ضرر و زیان و جبران و پیشگیری از جرم در آینده است (عبدالفتاح ۱۳۷۸: ۳۹۶). نتایج این حمایت‌ها، بازبسی اقتدار بزه‌دیدگان و فائق آمدن به ضعف‌ها و رهایی از گوشه‌نشینی و عزلت و افسردگی‌های اجتماعی از شرایط مشابه به شرایط قبلی که او را بزه‌دیده بالقوه نموده است، می‌باشد. این حمایت هم در قالب حمایت‌های معنوی و هم حمایت‌های قانون است و هدف از این نوع بزه‌دیده شناسی حمایت مالی، عاطفی، حیثیتی، پزشکی و اجتماعی از بزه‌دیدگان و تأمین حقوق، خواسته‌ها و نیازهای آنان توسط جامعه و به‌خصوص نظام عدالت کیفری^۲ است. (لوپز و فیلیزولا ۱۳۷۹: ۵۴) در اسلام نقش بزه‌دیده در وقوع و پیشگیری از جرم و بازدارندگی در تکرار جرم به‌طور همسو و موازی با بزه‌کار و سایر عوامل وقوع جرم و گناه مورد توجه قرار گرفته است. امام خمینی یکی از علل و عوامل پذیرش ظلم و بزه‌دیدگی را عدم تزکیه نفس می‌شمارد و می‌گوید: «زیر بار ظلم رفتن مثل - ظالم - ظلم کردن، هر دو از ناحیه عدم تزکیه است؛ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى، در نماز عید، این سوره را مستحب است بخوانند. امر به تزکیه و ذکر الله، ذکر اسم الله: قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى و ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى. تزکیه، ذکر اسم الله و صلوه، اینها مراتبی است، اگر ما به این رسیده بودیم، نه حال انفعالی پیدا می‌کردیم برای پذیرش ظلم و نه ظالم بودیم» (امام خمینی الف ۱۳۸۵ ج ۱۸: ۴۹۹).

-
1. Criminology of Etiology
 2. Criminal justice system

۴. نظریه‌ها و مبانی نظری:

چهار نظریه ۱- انتخاب عقلانی؛ ۲- فعالیت روزمره؛ ۳- سبک زندگی؛ ۴- شتاب دهنده‌گی در بزه‌دیده‌شناسی اولیه مطرح است.

۴-۱. نظریه انتخاب عقلانی:

تشریح انگیزه‌ها و موقعیت سنجی و اصالت سودمندی از ارکان این نظریه است. نظریه اصالت نفع و سودمندی «ژرمی بنتام^۲» در مکتب فایده اجتماعی بیانگر دیدگاه سنجش سود و ضرر در رفتار مجرمانه و سنجش سود حاصله از جرم و ضرر حاصله از انجام آن بود که با سنجش این دو مقوله و سنگینی کفه ترازو به نفع سود تحصیل شده از جرم، مجرم دست به رفتار مجرمانه می‌زند. در دیدگاه بنتام طبیعت انسان‌ها زیر حکومت و سلطه سود و زیان است (آقایی ۱۳۹۶: ۱۶۶). ترنر فرض‌های نظریه انتخاب عقلانی را به‌قرار زیر فهرست می‌کند: الف) انسان‌ها هدف‌دار و هدف‌جو هستند. ب) انسان‌ها دارای مجموعه‌ای از ترجیحات یا منافعند که به شکل سلسله‌مراتبی تنظیم شده است. ج) انسان‌ها در گزینش مسیرهای رفتاری خود، به اشکال زیر به محاسبه عقلانی می‌پردازند: ۱. سود مسیرهای مختلف رفتار با توجه به سلسله‌مراتب ترجیحات؛ ۲. هزینه‌های هر گزینه برحسب منافع ازدست‌رفته؛ ۳. بهترین راه پیشینه‌سازی منافع (Turner 1998: 304). نظریه انتخاب عقلانی دینی استدلال می‌کند که مردم بر اساس انگیزه‌های دینی (مثل رستگاری) در جهان کنونی زندگی می‌کنند و باین حال بایستی برای چگونگی دستیابی به اهدافشان تصمیم بگیرند؛ درواقع نظریه انتخاب عقلانی دینی، رفتار دینی را نوعی رابطه تبادلی در نظر می‌گیرد، به‌گونه‌ای که افراد به‌طور دینی متعهد می‌شوند، اگر به‌طور پیوسته طلب خود را به خدا سر موعده مقرر و بر طبق قوانین دینی بپردازند، آنگاه طبق تعهد دینی شکل گرفته خداوند جوایزی را به آن‌ها عطا می‌کند. طبق این نظریه، انتخاب عقلانی دینی انگیزه اصلی برای عمل دینی و استفاده از ماوراءالطبیعه جهت حفظ پاداش‌هاست. (Finke and Stark 1992: 45)

-
1. Rational choice theory
 2. Germe Bentham

علامه طباطبایی می‌گوید: در اثر انحراف فطرت از مجرای طبیعی، دایره عقل تنگ‌تر می‌شود و چه بسا اموری عقلانی و خردمندانه محسوب شوند و حال آنکه به معنی حقیقی کلمه، خلاف عقل باشند، مثلاً اگر در سایه حب به دنیا و غفلت زدگی قلمروی تشخیص به مصالح و مفاسد دنیوی و خیرات و شرور این جهانی محدود شود- دقیقاً همان عقلانیتی که علم‌زدگان و سکولارها در نظر دارند- دیگر عقل نامیده نمی‌شود (طباطبایی ۱۴۱۷ ج ۲: ۲۴۵). هزینه‌های بالقوه رفتار مجرمانه و سودهای پیش‌بینی‌شده و محاسبه سود و زیان محوریت دارد. بزه‌کار، بزه‌دیده‌ای را انتخاب خواهد نمود که موانع کمتری در سر راه حصول نتیجه مجرمانه داشته و فرصت‌های بیشتری را برای بزه‌کار فراهم نماید؛ لذا ارتباط عقلانیت مجرم و عقلانیت بزه‌دیده در کشمکش قرار می‌گیرد. نقش بزه‌دیده در انتخاب عقلانی بزه‌کار مؤثر است. توان بزه‌دیده در کاهش جذابیت خویش در انتخاب عقلانی آزموده می‌شود. خطر بزه‌دیدگی به‌طور مساوی بین افراد جامعه توزیع نشده است (ویانو ۱۳۶۷: ۴۷). عده‌ای از افراد بنا به دلایل و ویژگی‌های خاص، بیشتر از سایرین در معرض جذابیت و انتخاب شدن از سوی بزه‌کاران قرار می‌گیرند. جذابیت، قابلیت کنترل بودن، امکان دسترسی آسان، فقدان خطر یا کم‌خطر بودن و در یک کلام سهل‌الوصول بودن در گزینش بزه‌کاران مؤثر است. («ژان پیناتل») آنان را به بره‌هایی تشبیه می‌کند که گرگ‌ها را به‌سوی خود جلب می‌کنند (کی نیا ۱۳۷۳ ج ۲: ۱۳).

۲-۴. نظریه فعالیت روزمره:

نظریه فعالیت‌های روزمره که ادعا می‌کند انسان‌ها به‌طور عقلانی، کنش نشان می‌دهند و مرتکب جرم می‌شوند. متخلفان بانگیزه، درباره منفعت و ضرر عمل خود می‌اندیشند و سعی در به حداکثر رساندن منافع و به حداقل رساندن زیان خود دارند و با توجه به این امر، هدف‌های مناسبی را جستجو می‌کنند که بدون محافظان توانمند هستند. (Wang 2002: 557) در مقام پاسخ به این پرسش است که چه عواملی تمایل به ارتکاب بزه را مساعد می‌کند و موقعیت و شرایط بزه‌دیده و یا آنچه را شرایط مشرف بر وقوع جرم می‌نامیم تا چه اندازه در وقوع جرم مؤثر است (پی فرانک و دیگران ۱۳۸۳: ۲۴۳). برخی فعالیت‌های روزمره زندگی سبب ایجاد موقعیت‌های بهتر برای بزه‌دیده واقع‌شدن می‌شوند. جرم در این نظریه

زمانی واقع می‌شود که بزه کار احتمالی و آماج مناسب جرم در زمان و مکان واحدی باهم مقارن شده و محافظینی که قادر به پیشگیری یا کنترل آن هستند در آن لحظه حضور نداشته باشند (کلارک و اک ۱۳۸۸: ۷۱). تفاوت در فعالیت‌های روزمره افراد را بیش از دیگران برای تجاوز، سرقت و خشونت جذاب می‌کند. مناطقی که در نقاط داغ بزه کاری، یعنی مناطقی از شهر که در آنجا بیشترین آمار جرم وجود دارد مشهورند و افراد از رفتن به آنجا اجتناب می‌کنند و در اثر عدم حضور نگهبان و عدم نظارت و کنترل، مجرمان معدود افرادی را که در آن منطقه هستند یا رفت‌وآمد می‌کند به‌عنوان قربانیان مناسب برای اعمال مجرمانه خویش انتخاب می‌کنند (پی فرانک و دیگران ۱۳۸۳: ۲۴۳). فلوسن و کوهن در این نظریه بیان کردند که احتمال وقوع جرم در زمان، با جابه‌جایی مردم در حین انجام فعالیت‌های روزمره هر روزشان تغییر می‌کند؛ یعنی جغرافیای مربوط به این فعالیت‌ها کمک می‌کند ویژگی‌های مربوط به آسیب‌پذیری قربانی و انگیزه متخلف معلوم شود. همچنین نظریه فعالیت‌های روزمره معتقد است جرم در بستر فعالیت‌های معمولی روزمره و به طرز نسبتاً فوری اتفاق می‌افتد که احتمالاً برای مجرم، فضای آشنا یا عادی است (Bruinsma 2014: 70-88).

۳-۴. نظریه سبک زندگی:

یکی از اولین تلاش‌ها برای تبیین قربانی شدن کیفری است. این نظریه به «گات فردوسن» و «لانگ» منسوب است. این نظریه به دنبال آن است که به این سؤال که چرا برخی افراد و گروه‌ها بیش از سایرین در معرض خطر بزه دیدگی قرار می‌گیرند پاسخ دهد. مجرد زیستی، زیاده‌روی در شرب خمر و مسکرات استفاده از وسایل حمل‌ونقل عمومی، معاشرت با مردان جوان، رفت‌وآمد شب‌هنگام در اماکن عمومی و زندگی در شهرهای بزرگ از شیوه‌های زندگی است که فرصت‌سازی مجرمانه ایجاد کرده و بزه دیدگی را قوت می‌بخشد. سبک زندگی در تولید اندیشه مجرمانه و فرآیند به فعالیت رساندن آن مؤثر بوده و تسریع فرآیند ارتکاب جرم را به دنبال دارد. حادثه تأسف بار خمینی‌شهر اصفهان را می‌توان در سبک زندگی تحلیل کرد. بزه دیدگان این عمل مجرمانه به‌واسطه اینکه با صدای بلند مشغول تفریحات نامتعارف بودند، موجب توجه دو جوان حاضر در باغ مجاور شد و به همراه ۱۲ نفر از دوستان خود با پوشانیدن صورت‌های خویش به باغ حمله کرده و مردها را در اتاقی

حبس و زن‌ها را به مکانی دیگر منتقل و مورد تجاوز قرار می‌دهند (آقای ۱۳۹۷: ۲۲۴). حضرت محمد (ص) فرمودند: «بهترین ارزش زن فاصله گرفتن از منظر مردان نامحرم است» همچنین ایشان می‌فرمایند: «بَاعِدُوا بَيْنَ أَنْفَاسِ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ» در مجامع عمومی میان زنان و مردان نامحرم فاصله ایجاد کنید (حر عاملی ۱۴۰۹ ج ۲۰: ۶۸-۶۷). خداوند در قرآن می‌فرماید: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (احزاب: ۳۲).

۴-۴. نظریه شتاب دهندگی:

نظریات فعالیت‌های روزمره و سبک زندگی بسیار به هم نزدیک بوده و بیانگر رکن جذابیت در بزه‌دیده هستند که نوع فعالیت‌ها و یا شیوه زندگی می‌تواند بزه‌دیدگان را جذابیت بخشیده و آن‌ها را آماج جرم مجرمین نماید. با جمع‌بندی نظریات انتخاب عقلانی و فعالیت‌های روزمره و سبک زندگی به نظریه شتاب دهندگی مندلسون و هاتیک می‌رسیم. بر اساس این نظریه موقعیت و ماهیت رفتار بزه‌دیده در فرآیند ارتکاب جرم تأثیر می‌گذارد؛ زیرا موقعیت و سبک و شیوه زندگی شهروندان می‌تواند در انگیزه‌مند شدن بزهکاران احتمالی برای گرایش به ارتکاب جرم، نقش عمده‌ای را ایفا کند. بزه‌کار پس از مشاهده فعالیت روزمره و سبک زندگی و سنجش و ارزیابی منطقی و عقلانی فرصت‌هایی که در اثر این نوع و شیوه زندگی از سوی بزه‌دیده برای وی (بزهکار) فراهم می‌شود، شرایط را لحاظ کرده و در صورت سنگینی کفه ترازوی سودمند بودن، مرتکب جرم می‌شود. این مؤلفه‌ها در شتاب دادن به فرآیند تکوین بزهکاری سهیم بوده و بزه‌دیده به‌عنوان یک عنصر شتاب‌دهنده، مجرم را در این فرآیند یاری می‌کند (لوپز و فیلیزولا ۱۳۷۹: ۸۰). نظریه شتاب دهندگی در بزه‌دیده شناسی در قالب شتاب دهندگی فعال و منفعل از مجموع روایات و احادیث در جرائم منافی عفت به دست می‌آید. پوشش صحیح زنان، عدم خلوت با نامحرم، کراهت آرایش غلیظ، کراهت عطر زدن و خارج شدن از منزل توسط زنان و... همگی بیانگر نظریه شتاب دهندگی در بزه‌دیده شناسی است. امام رضا (ع) فرمودند: خداوند نگاه کردن به موهای زنان را حرام کرده (زنان ازدواج کرده محجوبه و غیر آن‌ها)؛ زیرا نگاه کردن شهوت‌انگیز مردان باعث تهییج جنسی و تهییج جنسی موجب فساد است (حر عاملی ۱۴۰۹ ج ۱۴: ۱۴۰). رسول خدا (ص) فرمودند: زنان حق عبور از وسط مسیر را ندارند بلکه باید در پناه دیوار و حاشیه معبر

حرکت کنند و هر زنی که خود را معطر و خوشبو سازد و سپس از خانه خارج شود، همواره مورد لعنت خواهد بود تا موقعی که به خانه بازگردد (کلینی ۱۳۸۸ ج ۶: ۵۵۳). امام صادق (ع) می‌فرماید: که امیر مؤمنان علی (ع) زن‌ها را از کاکل گذاشتن در وسط سر جمع کردن موی پیشانی و از نقش خضاب بر کف دست، نهی نمود و فرمود: همانا زن‌های بنی اسرائیل به جهت جمع کردن موی پیشانی و نقش خضاب هلاک شدند (کلینی ۱۳۸۸ ج ۶: ۵۵۵).

۵. مصادیق بزه‌دیده‌شناسی اولیه در کیفر قصاص:

برخی مصادیق مربوط به شرط مهدورالدم بودن در قصاص است. نظیر اعتقاد به مهدورالدم بودن، قتل زن در فراش و دفاع مشروع و برخی مربوط به فقدان شرایط قصاص نظیر عدم تساوی در دین و عقل، رابطه ابوت و بنوت و رضایت به قتل (اتانازی) است.

۵-۱. مهدورالدم بودن و اعتقاد به آن:

تنها علت مهدور بودن، زوال عصمت شخص است و زوال عصمت، یا به دلیل زایل شدن سبب آن است و یا به خاطر ارتکاب جرائمی است که باعث مهدور بودن می‌شود. همچنین در مورد زوال سبب عصمت آمده: قاعده عمومی در شریعت اسلام این است که خون‌ها و اموال دارای احترامند، یعنی مباح نیستند و اساس آن یا ایمان است و یا امان. معنای ایمان، اسلام و تسلیم شدن و معنای امان عهد و پیمان بستن، مانند عقد ذمه و نظایر آن است (عوده ۱۴۰۳: ۲۴۵). کشته‌شدگان (بزه‌دیدگان) در مهدورالدم مطلق و نسبی قربانیان بی‌نظمی در دادرسی اسلامی و قانونی هستند. حدودی که کیفر مرگ دارند (مطلقاً) و قصاص (به‌صورت نسبی) و دفاع مشروع و قتل در فراش در این حوزه قرار دارند. امام خمینی در کتاب دیات تحریرالوسیله می‌گوید: اگر شخصی را به اعتقاد اینکه مهدورالدم است یا به اعتقاد قصاص بکشد، پس خلاف آن آشکار شود، یا به گمان اینکه او شکار است بکشد پس معلوم شود که انسان بوده است، به شبه عمد ملحق می‌شود (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۲ و ۱: ۹۳۷). مثال معروفی در این مورد عنوان‌شده به این شرح که مهدورالدم بودن سلمان رشدی مورد فتوای امام خمینی قرار گرفته، پس عنصر قانونی قتل سلمان رشدی فتوای امام است نه اعتقاد ذهنی کسی، حال اگر کسی شخصی را با این اعتقاد که آن شخص سلمان رشدی

است (به لحاظ شباهت قیافه یا ...). بکشد و بعد مشخص شود، که او سلمان رشدی نبوده و قاتل در تشخیص مصداق و موضوع، دچار اشتباه شده است. اگر چیز مسموم را جلوی او بگذارد به گمان اینکه خون او هدر است، پس خلاف آن آشکار شود، قتل عمد نیست و در آن قودی نیست (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۲ و ۱: ۹۰۴). فاضل لنکرانی در شرح این مورد می نویسد: دلیل عدم ثبوت قتل عمد در این فرض آن چنانکه در تعریف موجب گذشت، لزوم قتل به نحو عدوان است. به عبارت دیگر قتل عمد با وجود نفس بی گناه واجب می شود و ثبوت دیه به واسطه عدم بطلان خون محقون الدم است (فاضل لنکرانی ۱۳۸۵: ۵۳). (قاعده حرمت خون مسلمان). این موارد مربوط به اشتباه در شخصیت است لیکن در اشتباه در هویت امام عقیده بر قصاص دارند؛ یعنی فرد می خواهد بزه دیده بی گناهی را بکشد ولی بی گناه دیگری را می کشد. تعبیر امام خمینی در قتل خطای محض ما را به همین مطلب می رساند: خطای محض که از آن به خطایی که شبهه‌ای در آن نیست، تعبیر می شود، آن است که فعل و همچنین قتل را قصد ننماید، مانند کسی که شکاری را رمی نماید یا سنگی را بیندازد پس به انسانی بخورد و او را بکشد؛ و از این قبیل است جایی که انسان مهدورالدمی را تیر بزند پس به انسان دیگر بخورد و او را به قتل برساند (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۲ و ۱: ۹۳۷). مهدورالدم بودن یکی از بزه دیدگان بالقوه (کسی که به جای او دیگری کشته شده) یا بالفعل (کسی که مقتول واقع شده) شرط لازم حذف قصاص و ثبوت دیه است. بزه دیده‌ای که به نحو عدوان و بدون قصد مباح قاتل کشته می شوند بزه دیده بی گناه بوده و قانون حمایت کامل از آنان دارد. بزه دیده در فرض اشتباه در شخصیت به عنوان یکی از اضلاع وقوع جرم مدنظر است. شاید شباهت بیش از حد مقتول و بزه دیده به فرد مورد نظر قاتل و شرایط وی را در قربانی شدن تسهیل نموده و بزه‌کار طعمه خویش را به تصور ذی حق بودن به قتل می رساند به این تصور که قانون نیز از او حمایت می کند و با قاعده انتخاب عقلانی و محاسبه ضررهای بعدی و اباحه رفتار و فقدان مجازات او را برگزیده است. در اشتباه در هویت، امام با حمایت از بزه دیده در قالب بزه دیده بی گناه، قصاص قاتل را حکم می دهد. اباحه قتل در مهدورالدم بودن ناشی از اقوی بودن سبب (بزه دیده) نسبت به مباشر است. مقتول با رفتار خویش حمایت شرع و قانون را از خود سلب نموده است. تصور به مهدورالدم بودن، قصد مرتکب را با شرایط بزه دیده در مهدورالدم بودن تلفیق می نماید.

۲-۵. بزه‌دیدگان قتل زن در فراش اجنبی:

امام خمینی در این فقره با پذیرش دیدگاه مشهورمی گوید: اگر مردی را ببیند که با همسرش زنا می‌کند و بداند که زن به خواسته او تن داده (و رضایت داشته) است حق دارد که هر دو را بکشد و گناهی نکرده و بر او قصاص نیست؛ و بین اینکه هر دو محصن باشند یا نباشند و اینکه زن دائمی باشد یا موقت و اینکه دخول به او شده باشد یا نه فرقی نیست. در مواردی که زدن و مجروح ساختن و کشتن جایز است، فقط جواز آن بین او و بین خداوند است و در واقع چیزی بر او نیست، ولی در ظاهر قاضی طبق موازین قضاوت حکم می‌کند؛ بنابراین اگر مردی را بکشد و ادعا کند که او را با زنش دیده است و شهودی مطابق آنچه شارع مقدس مقرر فرموده، نداشته باشد حکم به قصاص او می‌شود و همچنین است در مورد اشباه و نظایر آن (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۲ و ۱: ۳۸۳) اولین توجیه در بزه دیدگی این فقره دفاع مشروع است. بعضی هم با تقسیم دفاع مشروع به دفاع مشروع خاص و دفاع مشروع عام اقدام به این نوع قتل را از مصادیق دفاع مشروع عام که هدف آن دفع منکر و صیانت اخلاق و نظم و امنیت جامعه است، دانسته‌اند (عوده ۱۴۱۳ ج ۱: ۵۱۱). به نظر عده‌ای مبنای ماده ۶۳۰ نه دفاع مشروع، بلکه تحریک و تهییج روحی مرتکب و در واقع خروج او از حالت عادی تفکر و تعقل و امکان تصمیم‌گیری صحیح به خاطر مواجه‌شدن با حالت مذکور در ماده است و همین حالت تهییج و تغییر وضعیت روحی است که او را از مجازات جرم ارتكابی معاف می‌نماید (صمدی ۱۳۴۰: ۵۵). به نظر می‌رسد نظر امام تبعیت از قول اکثریت را دارد... قید در حال زنا دیدن، مهدورالدم بودن همسر مرد را تأیید نموده و بزه‌دیده در این مورد بزه‌دیده مقصر است. لذا مقنن و امام هیچ حمایتی از وی نمی‌کنند. قید اکراه زن وعدم جواز قتل وی مؤید همین دیدگاه است. از سوی دیگر در مورد زانی متجاوز در صورت احصان همین حکم جاری است. لیکن نظریه تحریک‌کنندگی مرد زانی در فرض نبود شرایط احصان قابل توجه است. بزه‌دیده مقصری که نقش تحریک‌کنندگی او سبب قتل اوست. نقش جنسیت در بزه دیدگی زنان توسط شوهران قابل توجه است؛ هرچند می‌توان گفت زن محصنه با بی‌دقتی در انتخاب و اجرای قاعده انتخاب عقلانی خود را در معرض بزه دیدگی قرار می‌دهد. رفتار قربانیان در این مورد را نهایتاً می‌توان با نظریه شتاب دهنده بزه دیدگی تحلیل نمود. در دفاع مشروع بزه‌دیده با حمله بر دیگری موجبات قتل یا نقص عضو خویش را فراهم می‌آورد.

۳-۵. دفاع مشروع:

امام خمینی ضمن بیان احکام بزه‌دیده مهاجم و تکلیف شرعی مدافع در دفع خطر مهاجم بزه‌دیده به اصول ذیل پایبند است: ۱. حق و تکلیف شرعی بودن دفاع بر اساس قواعد نفی سبیل و حرمت خون و جان مسلمان؛ ۲. حفظ حقوق مهاجم بزه‌دیده در شرایط تناسب در دفاع و حمله و تقارن دفاع و حمله و فعلیت آن؛ ۳. حمایت از بزه‌دیده مهاجم و محقون الدم بودن وی با مقرر نمودن شرایط خاص در دفاع نظیر رعایت قاعده (الاسهل فالاسهل)؛ ۴. انذار بر بزه‌دیده مهاجم که مسلمان مورد هجوم وی نیز از شرایطی در دفع خطر بهره‌مند است و شرع و قانون حامی اوست؛ ۵. استناد به اباحه رفتار مدافع در قتل و ضرب و جرح به دلیل تقصیر بزه‌دیده و اقوی بودن سبب (مقتول و بزه‌دیده مهاجم) از مباشر (مدافع)؛ ۶. هدر بودن خون بزه‌دیده و فقدان مسئولیت مدنی بر اساس تقصیر اولیه بزه‌دیده مهاجم و اقوی بودن سبب از مباشر؛ ۷. تسلیم شدن و پذیرفتن ظلم برایش جایز نیست. لذا مدافع نمی‌تواند بزه‌دیده واقع شود و بزه‌دیدگی در اسلام نظیر بزه‌کار بودن مذموم و نکوهیده است. ۸. فرار برای جلوگیری از کشتار به‌عنوان راه آسان‌تر خلاصی ممکن بوده هر وسیله‌ای جهت جلوگیری از بزه‌دیدگی قاتل و مقتول در حدود احکام به کار گرفته می‌شود تا از هرگونه بزه‌دیدگی جلوگیری شود. ۹. وجوب مقاتله با بزه‌دیده مهاجم ولو با احتمال کشته شدن مهاجم در صورت حمله به اهل خانه، زنگ خطری برای بزه‌دیده مهاجم است که از حمله دست بردارد. در صورتی که در حمله به مال وجوب مقاتله با احتیاط به ترک مقاتله تغییر حکم می‌دهد (امام خمینی، ۱۳۸۵ ج ۱: ۵۵۷-۵۵۳). ۱۰. مجنون بزه‌دیده مهاجم دیه‌اش بر عهده عاقله است که قانون و امام به این امر اشاره دارند (امام خمینی، ۱۳۸۵ ج ۲: ۵۵۶). (احکام بازدارنده با حفظ کرامت مسلمین و رعایت قاعده نفی سبیل و حرمت خون و مال و ناموس مسلمین در کنار قاعده اقوی بودن سبب از مباشر که همان بزه‌دیده کاملاً مقصر است اساس احکام دفاع مشروع در بزه‌دیده شناسی اولیه در قصاص از دیدگاه امام راحل است.) انتخاب عقلانی محکوم به شکست و قاعده تحریک‌کنندگی و شتاب‌دهندگی در بزه‌دیدگی سبب بزه‌دیده واقع شدن مقتول مهاجم و هدر رفتن خون وی و اباحه رفتار مدافع در غیاب حیات اجتماعی است. تساوی در دین یکی از شرایط قصاص است. در صورتی که مسلمانی غیرمسلمان را عمداً به قتل برساند به دلیل عدم تساوی در دین با غیر

مسلمین قصاص نشده و بزه‌دیده باوجود کشته شدن از روی عمد و بزه‌دیده بی‌گناه بودن به دلیل ویژگی دینی بزه‌دیده‌ای بالقوه محسوب می‌شود این امر از شرایط زیر بنایی و مهم احکام اسلامی و درراه گرویدن افراد به اسلام به‌عنوان دین اکمل و قاعده نفی سبیل وضع گردیده است. امام می‌گوید: پس مسلمان به کافر کشته نمی‌شود، در صورتی که به کشتن کفار عادت نداشته باشد. بین اصناف کفار - از ذمی و حربی و کسی که طلب امان نموده و غیر آن - فرقی نیست؛ و اگر کافر قتلش حرام باشد مانند ذمی و معاهد، مسلمان برای قتل او تعزیر می‌شود و دیه ذمی را برای آن‌ها غرامت می‌کشد. اگر مسلمان به کشتن اهل ذمه عادت داشته باشد بعد از رد زیادی دیه‌اش، قصاص نمودن از او جایز است؛ و بعضی گفته‌اند که این حد است، نه قصاص. ولی این قول ضعیف است. ذمی به ذمی و به ذمی با رد زیادی دیه و ذمی به ذمی و به ذمی بدون رد زیادی، مانند مسلمین، کشته می‌شود؛ و بین یکی بودن ملتشان و اختلافشان در آن فرقی نیست؛ پس یهودی به نصرانی و برعکس و مجوسی به آن‌ها و برعکس، کشته می‌شود (امام خمینی، ۱۳۸۵ ج ۲: ۵۵۳). پرسشی که ممکن است در اینجا مطرح شود این است که آیا در مواردی همچون قتل عمدی فرزند توسط پدر، کافر توسط مسلمان، مجنون توسط عاقل که قصاص شرعاً جایز نبوده و دیه پرداخت می‌گردد دیه جنبه بدلی اجباری دارد یا مجازات اصلی جنایت عمدی است؟ برخی عقیده دارند در مواردی نظیر قتل توسط پدر، دیه مجازات اصلی محسوب نمی‌گردد؛ زیرا مجازات اصلی قتل عمدی اولاً و بالذات قصاص است. لیکن وصف ابوت مانع اجرای قصاص گشته و دیه جایگزین آن می‌گردد (عوده ۱۴۱۳: ۱۷۵). متقابلاً برخی دیگر معتقدند که اساساً مقنن مرتکب قتل عمدی را مستحق قصاص نمی‌داند و از ابتدا با واکنشی متفاوت از قصاص با او مواجه می‌شود و لذا این مواد را باید با سقوط قصاص متمایز دانست. در سقوط قصاص قاتل مستحق قصاص است و مانعی ایجاد می‌گردد (آقایی نیا ۱۳۸۴: ۱۶۶) و موجب سقوط آن می‌گردد؛ مانند گذشت شاکی و فوت قاتل. به‌عبارت دیگر، در این قبیل موارد اساساً قصاص محقق نمی‌شود و آنچه به‌عنوان دیه پرداخت می‌گردد جنبه اصلی دارد، نه بدل از قصاص. در این رابطه قصاص در صورتی ثابت می‌شود که مرتکب، پدر یا از اجداد پدری مجنی علیه نباشد؛ بنابراین چنانچه قاتل پدر، عاقل، مسلمان و مجنی علیه، عاقل و در دین با مرتکب مساوی باشد. درحالی که مقتول به ترتیب فرزند، دیوانه، کافر و... باشد،

اساساً قصاص ثابت نمی‌شود، نه اینکه قصاص ثابت است لیکن به دیه تبدیل می‌شود. امام خمینی نیز تابع نظریه اخیر است (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۲ و ۱: ۹۱۱).

۴-۵. عدم تساوی در دین و عقل:

اجماع که صاحب جواهر مدعی آن شده است (نجفی ۱۴۱۲ ج ۴۲: ۱۵۰) به انضمام قاعده نفی سبیل (فاضل لنکرانی ۱۳۸۷: ۱۲۸) و روایات (حر عاملی ۱۴۰۹ ج ۲۹: ۱۰۸) از اهم دلایل بزه دیدگی اقلیت دینی در قصاص است. احکام بیان‌شده به معنای جواز کشتن غیرمسلمان نبوده و اذیت و آزار اقلیت‌های دینی بر طبق روایات اسلامی حرام و پیامبر آزار بی دلیل آن‌ها را آزار خود دانسته و این امر را سبب دشمنی با رسول خدا قلمداد نموده است (بحرانی ۱۴۰۴: ۲۷۱). امام خمینی در خصوص تساوی در عقل می‌گوید: عاقل به دیوانه کشته نمی‌شود؛ اگرچه دیوانه ادواری باشد - با بودن قتل در حال دیوانگی او - ولی اگر عمد یا شبه عمد باشد دیه بر قاتل ثابت است و اگر خطای محض باشد بر عاقله است؛ و اگر دیوانه قصد او را کرده پس او، از خودش دفاع نموده چیزی از قود و دیه بر او نیست و دیه از بیت‌المال مسلمین به ورثه او داده می‌شود (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۲ و ۱: ۹۱۳). اولاً این مسئله اجماعی است و روایت معتبری دارد. ثانیاً مساواتی در میان عاقل و مجنون نیست، به همین دلیل جایز نیست عاقل را به خاطر قتل مجنون قصاص کرد؛ ولی دیه ثابت است. مجنون به دلایل جسمی و فیزیکی در بزه دیدگی بالقوه مدنظر است از سوی دیگر حمله وی در دفاع مشروع نیز متأثر از همین شرایط جسمی و روحی و استعداد بزه دیدگی اوست. شرایط نفس‌الامری که مقنن و شرع مقرر نموده است وی را در معرض بزه دیدگی قرار می‌دهد. همان‌طور که وی (دیوانه) از مسئولیت کیفری مبری است و این امر ناشی از شرایط خاص اوست، در بزه دیدگی نیز وی بزه‌دیده مقصر فاقد مسئولیت است. بزه‌دیده‌ای که مباشرت را در اعمال بر عهده دارد لیکن سبب اقوی از مباشر که قوای حاکم و بیت‌المال است مسئول پرداخت دیه است.

۵-۵. فقدان رابطه ابوت:

امام صادق (ع) فرمودند: پدر برای قتل فرزندش قصاص نمی‌شود، ولی اگر فرزند عمداً دست به قتل پدر بزند، قصاص می‌گردد (شیخ طوسی ۱۴۱۱ ج ۱۰: ۲۳۷). روایت معروفی از

پیامبر اکرم (صلی‌الله و علیه و آله) وجود دارد که خطاب به فردی فرمود: تو و اموالت برای پدرت هستی (شیخ صدوق ۱۳۷۸ ج ۲: ۹۶). بزه دیدگی فرزند از احکام شرعی و الزامی و به دلیل رابطه‌ای است که شرع این رابطه را ناشی از قدرت ایجاد پدر در حق فرزند می‌داند و این دو روایت مؤید همین استدلال است. فرزند بزه‌دیده بی‌گناهی است که بنا بر شرایط مولد بودن پدر حق قصاص را بدون اینکه نقشی در وقوع جرم داشته باشد از دست می‌دهد. این مدل بزه دیدگی را باید بزه دیدگی شرعی نامید. این حکم جواز قتل فرزند توسط پدر نبوده و به نظر می‌رسد در صورت عادت پدر به فرزند کشی می‌تواند وی را در قالب افساد فی الارض مجازات کرد. هرچند پدر علاوه بر پرداخت دیه به مجازات حبس نیز محکوم می‌شود. رابطه ابوت را باید تسهیل‌کننده در این مدل قتل‌ها دانست. امام خمینی در شرط سوم از شرایط قصاص در تحریر الوسیله می‌گوید: اتفای پدر بودن است؛ پس پدر به واسطه قتل پسرش، کشته نمی‌شود و ظاهر آن است که پدر پدر کشته نمی‌شود و به همین منوال. کفار و همچنین دیه از پدر به واسطه کشتن پسرش، ساقط نمی‌شود؛ پس دیه را به غیر خودش از ورثه ادا می‌کند و خود او از دیه ارث نمی‌برد. پدر با کشتن پسرش کشته نمی‌شود و لو اینکه کفو او نباشد، بنابراین پدر کافر به کشتن پسر مسلمانش کشته نمی‌شود (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۲ و ۱: ۹۱۱). پدر منشأ پیدایش فرزند و نیز مسئول و متکفل رشد و پرورش و تربیت اوست و با زحمات طاقت‌فرسا و تحمل سختی‌های فراوان، نهال وجودی خود را که ثمر عمرش است، آبیاری می‌کند و این عوامل باعث می‌گردد که چنین حادثه‌ای به ندرت اتفاق بیفتد و تکرار گردد، به همین جهت و به دلیل مراعات حق پدری از قصاص او صرف‌نظر شده است. البته این تخفیف، چیزی از زشتی کار او نمی‌کاهد از طرف دیگر کسی که از این جنایت بیشترین آسیب را می‌بیند در درجه اول خود او و سپس خانواده اوست چرا که او ضربه شدید و مهلکی به خود و خانواده خود وارد آورده است و انصاف نیست که به خاطر این عمل در چنین شرایطی قصاص شود؛ زیرا تقاضای قصاص او نیز یک امر احساسی و غیرعقلانی است. پس اسلام قصاص او را ممنوع کرده است، اما در این شرایط، دیه بر او ثابت است و باید آن را به سایر وارثین بپردازد (مراغی بی‌تا: ۶۲).

۵-۶. رضایت مجنی علیه:

امام خمینی با انتخاب شیوه مقنن در سال ۱۳۷۰ و قانون معتبر سال ۱۳۹۲ برخلاف دیدگاه مقنن در سال ۱۳۶۱ می گوید: اگر بالغ عاقلی به دیگری بگوید: «مرا بکش وگرنه تو را می کشم» برای آن دیگری قتل او جایز نیست و حرمت قتل از بین نمی رود، لیکن اگر بعد از آن که از او اطاعت نکرد به او حمله نماید تا او را بکشد برای این شخص به عنوان دفاع، جایز بلکه واجب است او را بکشد و چیزی بر او نیست؛ و اگر به مجرد وعید دادن او، او را بکشد گناهکار است و آیا قود بر او می باشد؟ در آن اشکال است؛ اگرچه ارجح عدم آن است، چنان که عدم دیه هم بعید نیست (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۲ و ۱: ۹۰۷-۹۰۶). مقنن در سال ۱۳۶۱ با تبعیت از نظر خوبی، عفو مجنی علیه قبل از مرگ را سبب سقوط قصاص ندانسته و حق را برای ورثه پابرجا می داند؛ و مبنای آن «اسقاط مالم یجب»، یعنی حقی که هنوز ایجاد نشده قابل اسقاط نیست می باشد. حق، قصاص است و زمان ایجاد آن پس از مرگ است و متعلق به ورثه است. قصاص عوض و بدل از نفس نیست بلکه حق عقوبتی است که شارع برای ولی مقتول قرار داده است ساقط نمی شود مگر به وسیله عفو کسی که بر قصاص ولایت دارد البته بعد از فعلیت یافتن قصاص (مرعشی نجفی ۱۴۱۵: ۴۸). اخ تلاف در احکام، ناشی از اختلاف در شناخت بزه دیده جرم قتل عمدی و صاحبان حق است. امام باقر^(ع) فرمودند: مؤمن بر هر بلایی مبتلا می شود (هر بیماری و دردی) و هرگونه می میرد، اما خودکشی نمی کند (بروجردی ۱۳۷۸ ج ۳۱: ۲۳۱) و خداوند در آیه ۲۹ و ۳۰ سوره نساء بر حرمت خودکشی نظر دارد و وعده عذابی دردناک را می دهد. تقاضا برای خاتمه دادن به زندگی را می توان در قالب خودکشی مثلاً در اقوی بودن سبب از مباشر به لحاظ اکراه یا تحریک روانی مباشر مورد تحلیل قرارداد.

نتیجه گیری

با ظهور مکتب تحقیقی در قرن نوزدهم و متعاقب آن بزه دیده شناسی بنجامین مندلسون و فون هانتیک، انسان شناسی جنایی وارد زاویه دید خاصی تحت عنوان بزه دیده شناسی علمی یا اولیه شد که سعی می کرد نقش بزه دیده را به عنوان یکی از عوامل وقوع جرم بررسی نماید. توسل به افکار آگوست کنت در مادی گرایی و تجربه گرایی محض و انکار دین و متافیزیک

و تک‌بعدی قلمداد کردن انسان سبب خروج افکار دینی از انسان‌شناسی جنایی و بزه‌دیده‌شناسی در غرب گردیده است. کیفر قصاص و در مفهوم کلی‌تر مرگ شدیدترین واکنش به اعمال مجرمین است که نقش بزه‌دیده در این فرآیند مورد توجه است. دین مبین اسلام و قرآن کریم با جامعیت کامل و با اشتراک هدف با انسان‌شناسی جنایی و بزه‌دیده‌شناسی با قدمت بسیار و غنای فراوان تمامی دیدگاه‌های جرم‌شناسانه را عموماً و بزه‌دیده‌شناسی را اختصاصاً تبیین می‌نماید. معصومین به‌عنوان راهنمایان مصون از خطا و اشتباه فرمول‌های بزه‌دیده‌شناسی اولیه را در قالب روایات و تفاسیر از کلام وحی ارائه می‌دهند؛ که پیامبر (ص) فرمودند: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا». امام خمینی با جزئی‌نگری بیشتری در بزه‌دیدگی اولیه در قصاص با تمسک به نظریات انتخاب عقلانی و نظریه شتاب‌دهندگی بزه‌دیدگی و قاعده اقدام و تحریک‌کنندگی و اقوی بودن سبب از مباشر با ویژگی‌های خاص احکام تبعیدی، بزه‌دیدگی و قربانی شدن در مورد بزه‌دیدگان منفعل و بی‌تقصیر و محرک را تبیین می‌نماید. بزه‌دیدگی در جرائم علیه اشخاص و قصاص بسته به اباحه فعل جانی و هدر بودن خون مقتول، اعم از مطلق یا نسبی نظیر دفاع مشروع و قتل همسر در فراس اجنبی و یا رابطه ابوت و بنوت، رضایت بزه‌دیده در قتل، عدم تساوی بزه‌کار و بزه‌دیده در عقل و دین در بزه‌دیدگی مؤثر است. بر جرم‌شناسان اسلامی واجب است تا ضمن تبیین مفاهیم روایی و قرآنی و دینی در انسان‌شناسی جنایی، ضمن دفاع از حقانیت علمی و جامعیت احکام اسلامی در غنای انسان‌شناسی دینی بکوشند.

منابع

- آقایی، مجید. (۱۳۹۶) مکاتب کیفری، تهران: انتشارات خرسندی، چاپ دوم.
- _____ (۱۳۹۷) جرم‌شناسی در پرتو فقه امامیه، تهران: نشر آوا، چاپ اول.
- آقایی نیا، حسین. (۱۳۸۳) حقوق کیفری اختصاصی (جرائم علیه اشخاص)، تهران: نشر میزان، چاپ اول.
- ابن منظور، محمد بن مكرم. (۱۴۱۴ق) لسان العرب، بیروت: دار صادر.
- امام خمینی، سید روح‌الله. (الف ۱۳۸۵) صحیفه امام، تهران: مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی.

- _____ (پ ۱۳۸۵) **تحریر الوسیله (ترجمه فارسی)**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
- _____ (۱۳۷۷) **شرح حدیث جنود عقل و جهل**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- _____ (۱۳۷۹) **تحریر الوسیله**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- _____ انوری، حسن. (۱۳۸۲) **فرهنگ فشرده سخن**، تهران: انتشارات سخن.
- _____ بحرانی، میثم بن علی. (۱۴۰۴) **شرح نهج البلاغه**، تهران: انتشارات دفتر تبلیغات.
- _____ برجس، ولبرت آن، چرچیل رگر و آلبرت آر رابرتس. (۱۳۹۳) **بزه‌دیده‌شناسی، نظریه و کاربرد**، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران: نشر میزان.
- _____ بروجردی، سید حسن. (۱۳۷۸) **منابع فقه شیعه**، ترجمه احمد اسماعیل تبار، سید احمدرضا حسینی و مهدی حسینیان قمی، تهران: نشر فرهنگ سبز.
- _____ بریث ناچ، سیموس. (۱۳۹۴) **جرم و مجازات از دیدگاه امیل دورکیم**، ترجمه و تحقیق محمدجعفر ساجد، تهران: نشر خرسندی.
- _____ پی، فرانک و دیگران. (۱۳۸۳) **نظریه‌های جرم‌شناسی**، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران: نشر میزان.
- _____ پیکا، ژرژ. (۱۳۷۰) **جرم‌شناسی**، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: نشر دانشگاه شهید بهشتی.
- _____ توجهی، عبدالعلی و علی حسین نجفی ابرندآبادی. (۱۳۷۸) «بزه‌دیده‌شناسی و مشکل بزه‌دیدگی‌های گزارش نشده»، **مجله مدرس علوم انسانی**، دوره ۴، شماره ۱۳، صص ۲۵-۴۷.
- _____ توجهی، عبدالعلی. (۱۳۸۳) «اندیشه حمایت از بزه‌دیدگان و جایگاه آن در گستره جهانی و سیاست جنایی تقنینی ایران»، **در علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر محمد آشوری)**، تهران: نشر سمت.
- _____ جعفری، محمدتقی. (۱۳۸۸) **آفرینش و انسان**، تهران: مؤسسه نشر و تدوین آثار علامه جعفری.
- _____ حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ ق) **وسائل الشیعه**، قم: مؤسسه آل‌البیت.

- خوانساری، جمال‌الدین محمد. (۱۳۹۵) شرح غرر الحکم و درر الکلم، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- رهامی، محسن و دیگران. (۱۳۸۷) جرائم بدون بزه‌دیده، تهران: نشر میزان.
- زراعت، عباس. (۱۳۹۲) شرح مختصر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تهران: نشر ققنوس.
- زرشناس، شهریار. (۱۳۸۱) مبانی نظری غرب مدرن، تهران: نشر مرکز.
- شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (۱۳۷۸) عیون اخبار الرضا^(ع)، با تحقیق و تصحیح مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۱ ق) تهذیب الأحکام، بیروت: نشر دار الاحیاء التراث العربی.
- صمدی، علی اشرف. (۱۳۴۰) «ماده ۱۷۹ قانون مجازات عمومی قانون مجازات ایران و مقایسه آن با شق ۲ از ماده ۳۲۴ قانون مجازات فرانسه»، مجله کانون و کلا، سال سیزدهم، شماره ۷۸. صص ۷۸-۱۰۹.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۴۱۷ ق) المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- عبدالفتاح، عزت. (۱۳۷۸) «بزه‌شناسی و بزه‌دیده‌شناسی»، ترجمه اسماعیل رحیمی نژاد، مجله نامه مفید، شماره ۱۸، صص ۳۹-۱۸.
- عوده، عبدالقادر. (۲۰۰۵) التشريع الجنائی الاسلامی، مقارناً بالقانون الوضعی، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
- _____ (۱۴۱۳ ق) التشريع الجنائی الاسلامی، بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ دوازدهم.
- فاضل لنکرانی، محمد. (۱۳۸۵) تفضیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله کتاب القصاص، قم: نشر مرکز فقه ائمه اطهار.
- کالدرون، خوزه. (۱۳۸۶) «قربانی‌شناسی»، ترجمه محمد بیاتی‌نیا، فصل نامه سازمان قضایی نیروهای مسلح، دوره جدید، شماره ۱۴.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۸) فروع کافی، ترجمه مترجمان، قم: نشر قدس.
- کی‌نیا، مهدی. (۱۳۷۳) مبانی جرم‌شناسی ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- (۱۳۷۰) «بزه‌دیده شناسی یا مجنی علیه شناسی»، نشریه حقوق دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری قوه قضائیه، شماره ۱، صص ۱۰۲-۸۸.
- لویز، ژرار و ژینا فیلیزولا. (۱۳۷۹) *بزه‌دیده و بزه‌دیده شناسی*، ترجمه روح‌الله کردعلیوند و احمد محمدی، تهران: نشر معجد.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴) *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مراغی، احمد بن مصطفی. (بی‌تا) *تفسیر المراغی*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین. (۱۴۱۵) *القصاص علی الضوآقرآن و السنه*، نشر کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- مستنبت، سید احمد. (۱۳۹۲) *القطره*، ترجمه محمد ظریف، قم: نشر الماس.
- مغینه، محمدجواد. (۱۴۲۰) *فقه الامام الجعفری الصادق*، قم: نشر انصاریان.
- نجفی توانا، علی. (۱۳۸۰) *جرم‌شناسی*، تهران: نشر خط سوم.
- (۱۳۸۵) *ناهنجاری و بزه‌کاری کودکان و نوجوانان*، تهران: انتشارات آموزش و سنجش.
- نجفی، محمدحسن. (۱۴۱۲) *جواهر الکلام*، بیروت: احیاء التراث العربی.
- ویانو، امیلیو. (۱۳۶۷) «بزه‌دیده شناسی»، ترجمه نسرین مهرا، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۲۰، صص ۷۰-۳۴.
- ویلیام، کترین. (۱۳۸۲) «تأملی بر بزه دیدگی و انواع آن»، ترجمه علی صفاری، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۳۸، صص ۱۰۲-۷۸.
- گرسون، آندره. (۱۳۶۳) *فلاسفه بزرگ*، ترجمه کاظم عبادی، تهران: نشر صفی‌علیشاه.
- Brown, Stephen E. (2010) *Criminology: explaining crime and its context*, Anderson Publishing, 7th Edition.
- Bruinsma, G. Weisburd, D. (2014) *Encyclopedia of Criminology and Criminal Justice*, Springer Science, Business Media New York.
- Fattah, Esmaeel. (1991) *Understanding criminal victimization*, *Per-entia-Hall*, pp 57-43.
- Finke, Roger and Rodney Stark. (1992) *The Churching of America*

- 1776-1990: *Winners and Losers in Religious Economy*, New Brunswick, NJ, Rutgers University Press.
- Siegel, Larry J. (2010) *Criminology, Theories, Patterns, and Typologies*, USA: Wadsworth, Cengage learning, tenth edition.
- Turner, Jonathan H. (1998) *The Structure of Sociological Theory*, USA: Wdsworth Publishing Company.
- Turner,Stephan. (1993) *Emil Durkim: Sociologist and Moralist*, London and New York,Routiedge.
- Wang, John Z. (2002) "Bank Robberies by an Asian Gang: An Assessment of the Routine Activities Theory", *International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*. 46(5): 555-568.